

# گاهی چه زود دیر می‌شود

## آذر منصوری

امروز اربعین کسی است که در سراسر جهان به عنوان نماد آزادی شناخته می‌شود. در چنین روزی که ۲۶ شهریور ۱۴۰۱ است، مهسا امینی دختر مظلوم وطن در گوشه‌ای از این ملک به خاک سپرده شد. روایت مرگ مهسا که ژینا نامیده می‌شد، آن قدر تلخ و تاثیربرانگیز بود که اگر اربعین هم نبود، همه ایران امروز عزا بود. مهسا با شیون و فریادهای خانواده و دوستان و همشهری‌هایش به خاک سپرده شد، اما ایران در سوگ اوست. نه تنها آثار روحی و روانی هر کدام از این فجایع تا مدت‌ها روح و روان مردم ایران را می‌آزارد، بلکه در شرایط تعمیق روزافزون شکاف حاکمیت-ملت نیز بر خشم و اعتراض مردم می‌افزاید. سال‌هاست مدافعان حقوق زنان و برخی نواندیشان دینی با رویکردهای مختلف دینی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی در نقد گشتهای ارشاد و حجاب اجباری گفته‌اند و نوشته‌اند. نگارنده این سطور نیز از زمان فعال شدن گشتهای ارشاد و برخوردهای قهری با زنان به بهانه بدپوششی مکرر گفته‌ام و نوشته‌ام که این رویه با هیچ امر به معروف و نهی از منکری که در دین ما به آن توصیه شده است، قرابت و شباهتی ندارد و پوشش زنان ایران، موضوعی تکیساحتی نیست که تصور کنید با رفتارهای سلبی و حتی ایجابی صرف، می‌توانید آن را به نماد يك جامعه اسلامی تبدیل کنید و اساساً با اصرار بر این رویه شما هم به گونه‌ای دیگر راه رضاشاه را در کشف اجباری حجاب می‌روید. مکرر گفته‌ایم که راه‌حل این مناقشه دو وجه دارد؛ وجه اول آن توجه به خواست زنان ایران مبنی بر حق انتخاب پوشش است که با قانون حجاب و رفتار گشتهای ارشاد در تعارض است و هر قدر اصرار بیشتر بر این رویه کنید، مقاومت مدنی علیه آن ابعاد گسترده‌تری پیدا خواهد کرد و دیدیم که سر از آن سوی مرزها هم در آورد و شوربختانه به عاملی برای فشار بر ایران هم تبدیل شد. وجه دوم آن موضوعی فراتر از پوشش زنان است. سال‌ها پیش در مطلبي به این مساله با ابعاد حقوق بشری پرداختم. حرف اصلی در آن نوشته این بود که شما وقتی به زن ایرانی می‌گویید باید پوششی که مطلوب من حکومت‌دار است را رعایت کنی، زن ایرانی هم از شما سوال می‌کند که این جامعه اسلامی که پوشش من باید نماد آن باشد، چه آورده‌ای برای من به عنوان زن

ایرانی و نیمی از جمعیت کشور داشته که حالا پوشش مورد اصرار شما قرار است تکمیلش کند؟! به بیان دیگر وقتی رتبه شکاف جنسیتی زنان ایران جزو پنج کشور آخر دنیا است یعنی حاکمیت آورده‌ای در راستای رفع اشکال تبعیض علیه آنها نداشته است و همین زن معترض به حجاب اجباری از شما سوال می‌کند که سهم من در این جامعه اسلامی مدنظر شما از سیاست و اقتصاد و اشتغال و کسب و کار و حقوق عادلانه در خانواده و... چه بوده است؟ اینها تنها بخشی از سوالاتی است که نه تنها به آنها پاسخی داده نمی‌شود، بلکه حتی نویسنده و گوینده متهم به طرح آنها هم می‌شود! در چنین وضعیتی و با چنین صورت‌مساله‌ای از میزان تبعیضها علیه زنان ایران است که مقاومت در برابر حجاب اجباری روز به روز ابعاد گسترده‌تری پیدا می‌کند و به همین دلیل باز هم مکرر پیشنهاد دادیم عاقلانه‌ترین اقدام از جانب حاکمیت جمع شدن بساط گشته‌های به اصطلاح ارشاد و حذف قانون حجاب اجباری است. توصیه‌های مکرری که آنقدر به آن توجه نکردید که این بار به فاجعه‌ای بی‌نهایت تلخ تبدیل شد. مرگ مهسا امینی آنچنان جامعه ایران را در سوگ فرو برد که کمتر وجدان بیداری را می‌توان سراغ گرفت که در برابر آن سکوت کند و بی‌تفاوت از کنار آن بگذرد. این داغ يك داغ فراگیر است و خوب است در روز اربعین حسینی این توصیه اکید آن نماد آزادی و ظلم‌ستیزی را به فرزندشان یا به کسانی که خود را پیرو او میدانند یادآوری کرد که: «یا بُنِي إِيَّاكَ وَ ظُلْمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ ناصِرًا إِلَّا اللَّهَ» ای فرزندم، از ظلم به کسی که در برابر تو، هیچ یاری‌کننده‌ای به جز خداوند ندارد، بر حذر باش.

منبع: روزنامه اعتماد 27 آذر 1401